

## روسی‌گری : امری مسلم بر تجاوز به حقوق بشر\*

ملیسا فارلی\*\*

ترجمه و تلخیص : دکتر مهدیس کامکار\*\*\*

یادداشت مترجم : این مقاله به قلم دکتر ملیسا فارلی ، عضو انجمن پژوهش و آموزش روسپی‌گری سان فرانسیسکو ، در ایالات متحده نوشته شده و شامل تحقیقات متعدد نویسنده و دیگر محققان در این زمینه است . در پایان هرچند ، عنوانهای بیان شده در ابتدای مقاله ، منابع ، نقل قولها بصورت کامل فهرست شده است ، مترجم به دلیل کثرت منابع ذکر شده و با احترام در صیانت امانت ترجمه در هر مورد یکی دو منبع را آورده و سایر منابع را با نگارش سایرین ، درج کرده است .

روسی‌گری عبارت است از : آزار و اذیت جنسی ، تجاوز جنسی ، ضرب و شتم ، توهین و ناسزا ( فحش ) ، خشونت بومی ( Domestic ) ، روش تبعیض نژادی ، تجاوز به حقوق بشر ، سوء استفاده جنسی در کودکی ، پیامد استیلا و چیرگی مرد بر زن ، ابزاری برای بقای استیلای مرد بر زن ، تمامی موارد فوق .

صنعت تجارت جنسی عبارت است از : روسپی‌گری خیابانی ، روسپی خانه ، خدمات همراهی روسپیها ( Escot Services ) ، خدمات روسپی‌گری تلفنی ، باشگاه برهنه‌شدن ( Strip Clubs ) ، رقصهای برهنه وار دور میله ( Lap Dancing ) مکالمات تلفنی جنسی ( Phone Sex ) ، هرزه پردازی کودک - بزرگسال ، هرزه پردازی ویدیویی یا ماهواره ای ، و جهانگردی روسپی‌گری . بیشتر زنانی که بیش از چند ماه در حرفه روسپی‌گری باقی می مانند ، در گردش مداوم بین انواع متعدد این بازار تجاری جنسی قرار می گیرند . تمامی انواع

\* Source : <http://www.Prostitutionreserch.com>

\*\*Mellisa Farley

\*\*\*روانپزشک

روسی‌گری موجب آسیب به زنان می‌شود، چه اینکه زن به دست یکی از اعضای خانواده به روسپی خانه فروخته شده باشد، یا یکی از افراد خانواده و فامیل به وی تجاوز کرده باشد، چه از خانه فرار کرده و بعد دوست پسری از او سوء استفاده کرده باشد، یا زنی باشد که برای نیاز مالی و تأمین هزینه تحصیل به این کار کشیده شده باشد. چه اینکه در کلوپ و باشگاههای برهنگی (برهنه شدن)، رقص برهنه، یا پشت شیشه کند، جایی که مردها در ظاهر امر او را لمس نمی‌کنند و .... همه این موارد روسپی‌گری به زنان عمیقاً صدمه می‌زند. زندگی روسپی‌گری از زندگی اغلب ما بسیار فاصله دارد و تصور ما از این قضیه درک بخش ناچیزی از موضوع می‌باشد: «چانه زدن بر سر قیمت با یک بیگانه، توافق، برهنه شدن .... همین تمام. لطفاً بعدی و بعدی ....»

فرو رفتن در عمق مسئله نشان زشتی بسیار آن است، حتی تصور آن چندانش آور است. (Cecilie Hoigard, et al, 1992) یک مرد وقتی که به شریک خود توهین می‌کند در واقع تصویر یک روسپی را یادآور می‌شود. تاریخچه لغوی و معنی کلمات و توهین و اتهامهایی که با ضرب و شتم و سیلی و اردنگی همراه است (توهنزه ای ...) حاکی از چیزی «مادون شأن»، «فاقد هرگونه حقی»، «ناچیز و حقیر»، «شریر و خبیث» است (یادداشتها مربوط به Linda Fairstein, et al, 1993).

«روسی» یک قربانی تمامی کارهای زشت و بدی است که مردان بر زنان روا می‌دارند. سوء استفاده جنسی و فیزیکی، فشار مالی و ترک و طرد ... (Mick la Salle, et al, 1995).

زنان روسپی به دلیل جذابیت ظاهری خود مثل رنگ پوست یا خصوصیات مربوط به الگوی نژادی خود، خرید و فروش می‌شوند. در سراسر تاریخ زنان بر اساس قومیت و نژاد خود برده یا روسپی قلمداد شده‌اند (Kathleen Barry, 1995).

ما معمولاً به روسپی‌گری به عنوان یک پدیده خشونت بومی نمی‌نگریم چرا که بسیار دردناک است. «مهجوریت»!، روزمرگی، گریز ناپذیری، شکنجه، تجاوز، جنایت، ضرب

و ششم، درماندگی و ناامیدی، خلأ درونی شخصیت، خاموشی سریع کورسوی امید، در تمامی زنانی که از روسپی گری رنج می کشند مشترک است (Margaret, A. Baldwin, 1992). استیلا و برتری مردانه بدان معناست که جامعه، معدنی از روسپیگران به هر طریق ممکن به وجود می آورد تا مردها با هر چیزی که باید داشته باشند در اوج بمانند و احساس بزرگی، آزادی مجازی یا واقعی کنند. (Andrea Dworkin, 1997) روسپی گری مشابه هیچ پدیده دیگری نیست، گرچه پدیده های دیگر به دلیل الگویی از شرایط زنان می تواند مشابه روسپی گری باشد. (Evelino Giobbe, 1992) صنعت جنسی دقیقاً خشونت را خرید و فروش می کند. روشهای زیر دست و مطیع کردنی که طرفداران حقوق زن (فمینیستها) در تلاش برای کاهش آن از خیابانها، محل کار و تختخواب هستند (Sheila Jeffreys, 1997).

عمل روسپی گری در واقع عمل شئی سازی جنسی از زنان است. عملکردهای شئسازی جنسی طیفی از اعمال ضد انسانی است که موجب تحکیم هر چه بیشتر خشونت جنسی مردانه می شود (John Stoltenberg, 1990).

سن متوسط ورود به حرفه روسپیگری سیزده سالگی است. بیشتر این دختران سیزده و چهارده ساله به اجبار و به زور به روسپی گری کشیده شده اند. سایر این زنان، همسران سنتی بدون مهارتهای شغلی و حرفه ای هستند که یا فرار کرده اند یا شوهر سوء استفاده گر، آنها را ترک کرده است و آنها برای حمایت از خود و فرزندانیشان به این کار کشیده شده اند (Denis Gamache & Evelina Giabbe, 1990).

سن ورود به روسپی گری در حال کاهش است. برای مثال چطور می توانیم حتی واژه ای را به عنوان «روسپی گری نوجوانی» تصور کنیم، وقتی که سن رضایت برای فعالیت جنسی قانونی دائماً در حال کاهش است؟ (مثل کشورهایی چون هلند و فیلیپین) (Kathleen Mahoney, 1995).

«زنا با محارم» اردوگاه آموزشی و تمرینی برای روسپی گری است. شیوع «زنا با محارم» در میان روسپیان چیزی بین ۶۵ تا ۹۰ درصد تخمین زده می شود. ۸۵ درصد روسپیان - مشتریان سابقه سوء استفاده جنسی در کودکی خود دارند، برخی ۷۰ درصد زنانی با

محارم را گزارش می کنند. آنانی که با روسپیان سر و کار دارند و حتی برخی گزارشهای قدیمی و بالینی، زنا با محارم را بین ۸۰ تا ۹۰ درصد گزارش کرده اند. آمار بالاتری از زنا با محارم و سوء استفاده جنسی در کودکی گزارش شده است (Patricia Murphy, 1993).

با ۸۰ درصد روسپانی که در طرح تاریخ شفاهی (Whisper) مصاحبه کرده اظهار داشته اند، مشتریان به آنها عکسهای هرزه یا برهنه نشان می دهند تا به آنها بفهمانند که چه انتظارات جنسی از آنها دارند. پنجاه و دو درصد زنان اظهار می کنند که هرزه گری نقش مهمی در آموزش آنها و انتظاری که از آنها دارند داشته است. ۳۰ درصد زنان گزارش می کنند که با «دازان» (Pimps) مرتباً آنها را در جریان کار هرزه گری قرار می دهند تا به آنها منظور از القا و پذیرش روشهایی که دیکته می شود بفهمانند. فعالیت جنسی مردانه در عمل روسپی گری عبارت است از: «خود ارضایی مردانه در بدن زنانه». در روسپی گری مردان یک فرد را نمی خرند، بلکه بدنی را می خرند که نقش یک فرد را ایفا کند و این هویت فرد یا خود (Self) است که آسیب زاترین و صدمه زننده ترین مفاهیم تبعیض جنسی و تبعیض نژادی از زنان را شکل می دهد (Kathleen Barry, 1995).

بازار روسپی گری را مشتریانی که متقاضی خدمات جنسی هستند به وجود می آورند. در جنگ جهانی دوم ارتش نظامی ژاپن صد تا دویست هزار زن کره ای را برای خدمات جنسی به روسپی گری وادار کرد. در سال ۱۹۷۴ پلیس تایلند تخمین زد که چهارصد هزار زن روسپی در تایلند در خدمت ارتش نظامی امریکا در جنگ علیه ویتنام به خدمت گرفته شدند.

در سال ۱۹۹۳ یک مقام غیر رسمی اعلام کرد که در تایلند تأمین مالی و اقتصادی بومی و ملی دو میلیون روسپی وابسته به تورسیم جنسی است (جهانگردی جنسی). روسپی گری بزرگترین کالا و متاع سود آور برای چهار صد و پنجاه هزار مرد تایلندی و درصد بزرگگی از پنج میلیون و چهارصد هزار توریستی است که هر ساله تحت عنوان تورهای جنسی (SexTours) وارد تایلند می شوند (Kathleen Barry 1995). واژه دقیق تر «تورسیم جنسی»، «تورسیم روسپی گری» است (Melissa Farley, 1997).

ویسپر (Whisper) با نود درصد زنان روسپی که مصاحبه کرده است تحت نظارت پا اندازان در زمان اشتغال به این کار بوده اند. پا اندازها، زنان و دختران ساده لوح، تنها، بی خانمان، شورشی و عصیانگر را هدف قرار می دهند. آنان ابتدا با توجه و محبت دروغی این افراد را متقاعد کرده و در انحصار خود در می آورند، و در نهایت آنان را به عنوان یک روسپی در اسارت کامل و دائمی، توهین و ناسزای کلامی و احساس مطلق بی ارزشی کامل (مثل توال، یک تکه آشغال ...) ضرب و شتم، خشونت و آزار فیزیکی و تهدید به شکنجه نگه می دارند. هشتاد تا نود و پنج درصد این زنان تحت کنترل پا اندازها هستند (Kathleen Barry, 1995).

توصیف ضربه روسپی گری و پیامدهای آن از زبان یک دختر چهارده ساله چنین

است :

«احساس می کنی یک تکه گوشت غذا هستی، ریز ریز شده و به زور

تکه های وجودت در کنار هم نگه داشته شده ....» (D. Kelly Weisberg, 1985).

پاسخ به این سؤال که چرا روسپیان در کنار پا اندازهایشان می مانند، مشابه پاسخ به این سؤال است که : چرا زنان کتک خورده در کنار افرادی که کتک شان می زنند باقی می مانند ؟ ( Mellisa farley, 1996 )

انسان ها به لحاظ عاطفی تحت یک سیاست روانشناختی به نام حفظ بقا، در اسارت سوء استفاده گران خود در می آیند و به آنان وابسته می شوند. در واقع هرچه سوء استفاده بیشتر باشد فرد به سوء استفاده گر خود برای زنده ماندن وابسته تر می شود. به این پدیده نشانگان استکهلم ( Stockholm ) گفته می شود ( Dee Graham, et al, 1994 ).

حدود هشتاد درصد زنان روسپی قربانی تجاوز جنسی بوده اند. صحبت در این باره مشکل است، چرا که خود تجربه روسپی گری نیز مشابه تجاوز جنسی است. افراد روسپی، به طور متوسط سالانه هشت تا ده بار مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند. در واقع بزرگترین طبقه مورد تجاوز در تاریخ کره خاکی را تشکیل می دهند ( Susan Kay Hunter, et al, 1990 ).

سایر مطالعات نشان می‌دهد که شصت و هشت تا هشتاد درصد زنان روسپی در مقطعی از زمان مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. با هفتاد و هشت تا پنجاه و پنج درصد زنانی که در سال ۱۹۹۱ مصاحبه شده است، اظهار داشته‌اند سالانه به طور متوسط با اندازه‌ها شانزده بار و مشتریان سی و سه بار به آنان تجاوز کرده‌اند. گزارش دیگر حاکی از آن است که با اندازه‌ها به هشتاد و پنج درصد روسپیان تجاوز می‌کنند.

روسیگری یک عمل خشونت آمیز علیه زنان است، عملی که ماهیتاً آسیب‌زا و صدمه‌زننده است. در مطالعه‌ای که در مورد چهارصد و هفتاد و پنج زن یا مرد روسپی در پنج قاره (پنج کشور زامبیا، آمریکا، ترکیه، تایلند، افریقای جنوبی) صورت گرفت، آمار زیر به دست آمد: ۶۲ درصد از تجاوز در زمان روسپی‌گری، ۷۳ درصد از حمله فیزیکی در زمان روسپی‌گری، ۷۲ درصد از بی‌خانمانی فعلی یا قبلی گزارش می‌کنند. نود و دو درصد اظهار می‌کنند که مایل به ترک فوری و آبی روسپی‌گری هستند. گزارش دیگر حاکی از آن است که هشتاد و سه درصد روسپیان قربانی حمله و یورش با سلاح هستند.

یک گزارش کانادایی از روسپی‌گری و هرزه‌گری اظهار می‌دارد که مرگ و میر زنان و دختران روسپی چهل برابر متوسط مرگ و میر ملی است. بسیاری از معضلات بهداشت و سلامت زنان روسپی نتیجه و پیامد مستقیم خشونت است، برای مثال، در ترکیه بسیاری از این زنان دچار شکستگی دنده به دست پلیس می‌شوند. زنی از سانفرانسیسکو نقل می‌کند که چون یکی از مشتریان قصد ربودن وی را داشت او از اتومبیل بیرون پرید و لگنش شکست. بسیاری از زنان به دلیل ضربات مشت مشتریان و پا اندازه‌ها دندانهای خود را از دست داده‌اند (Mellisa Farley, 2000).

در مطالعه دیگری زنی در مورد سلامتی خود می‌گوید: سه بار بازو و دو بار بینی‌ام شکسته و یک گوشم تقریباً ناشنوا است. به دلیل یک قطعه استخوان شکسته شده و شناور در سرم دچار میگرن شده‌ام، چون مجسمه‌ام شکسته است. پاهایم از بالا به پایین به مفت نمی‌ارزد. شکستگی، سوختگی متعدد با اجسام برنده و داغ، جای شکنجه‌ها هنوز باقی است. با اسلحه و چاقو تهدید شده‌ام (از هر چهار بار دو بار) و هیچ جایی در بدنم وجود ندارد که به

شکلی و به طریقی، کوچک یا بزرگ مصدوم نشده باشد (Giobbe, et al, 1992). در مطالعه ای دیگر نقل می شود که هفتاد و پنج درصد زنانی که روسپی خیابانی هستند تصمیم به خودکشی گرفته اند و اقدام کرده اند. طبق گزارش بیمارستانی، پانزده درصد خودکشیهای موفق از سوی زنان روسپی است (Susan Kay Hunter, 1993).

زنان روسپی همانند سربازان کهنه کار و قدیمی جنگی از علائم اختلال اعصاب رنج می برند، این سانحه (PTSD) یک واکنش روانشناختی به آسیب و صدمه شدید فیزیکی و روانی است. این علائم شامل اضطراب، افسردگی، بیخوابی، تحریک پذیری، پس نمایی (Flash Back)، کرخی عاطفی - هیجانی است؛ که فرد در حالتی از گوش به زنگی و هوشیاری فیزیکی و عاطفی حاد قرار دارد. شصت و هفت درصد روسپیان از پنج کشور دارای علائم (PTSD) هستند، این آمار مشابه آمار زنان کتک خورده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته، قربانیان تجاوز جنسی و بازماندگان شکنجه حکومتی است (Melissa Farley, et al, 1998).

در اینجا نقل قولی از یک زن روسپی آورده شده است:

«من بیشتر روزهای سال ۱۹۹۲ در آپارتمانی زیبا زندگی می کردم، اتومبیلی گران قیمت را می راندم. لباسهای زیبا و مسافرتهاى خارجی گران از آن من بود. برای اولین بار در عمر بیست ساله ام به عنوان یک زن بالغ زندگیم را می چرخاندم. نیازی نبود برای پرداخت کرایه خانه، هزینه آب، برق و تلفن و قرضه هایم نگران باشم، همه چیز ماه به ماه به راحتی پرداخت می شد. اما من در عمق وجودم بیچاره بودم. از خودم متنفر بودم، از همه زندگیم و همه چیزهایی که صاحب بودم تنفر داشتم و هیچگونه ارزشی برایم نداشت. نمی توانستم با چهره ام در آینه روبرو شوم. کار کردن به عنوان یک روسپی روحم را فروخته بود (Debra Boyer, et al, 1993).»

در گذشته برای جنبش زنان مسئله حفظ بقای مادی و زندگی در کنار مردی که کتک می زند (اگرچه دلیل واقعی عقد قرارداد رضایت آمیز ازدواج نبود)، قابل درک بود. اما حالا از زنان می خواهند باور کنند که تحت لوای طرفداری از زنان (فمینیست)، انتخاب توسط صدها

مرد که تجاوز جنسی خواهند کرد، به عنوان یک راه حل واقعی برای بقای مادی قابل تصویب باشد. چون اگر زنی بخواهد می تواند این قرارداد را فسخ کند و اجباری درکار نیست...! (Catharin, A. Mackinnor, et al, 1990).

۶۷ درصد از ۴۷۵ زن روسپی از افریقای جنوبی، امریکا، ترکیه، زامبیا، تایلند اختلال اعصاب پس از سانحه (PTSD) را دارند، و ۹۲ درصد مایل به ترک روسپی گری هستند. ۷۰ درصد نیاز به آموزش مهارت شغلی و ۷۳ درصد نیاز به خانه یا یک مأمن امن، ۵۹ درصد نیاز به مراقبتهای بهداشتی دارند (Melissa Farley, 1998).

سایر مطالعات حاکی از آن است افرادی که می خواهند از روسپی گری فرار کنند نیازهای مشابه سایر افرادی دارند که تحت چنین شرایطی هستند. زنانی که روسپی هستند مواد مخدر نیز استفاده می کنند و تحت فشار اعصاب و شکنجه روانی بسیار شدیدتری از زنانی که سوء مصرف مواد مخدر دارند اما روسپی نیستند قرار دارند (EL Bassel, et al, 1997).

برای درک آسیب پدیده روسپیگری، لازم است راهها و روشهایی را دریابیم که در آن تبعیض نژادی امری ریشه کن ناشدنی و اجتناب ناپذیر و مرتبط با روسپی گری است (Vednita Carter, 1993).

تعداد برنامه هایی که در ارتباط با نیازهای کودکان زنان روسپی است بسیار کم است. در مطالعه اخیری که بر روی ۱۹۶۳ روسپی انجام شد، نشان داد بیش از دو سوم آنان حداقل یک کودک (فرزند) داشتند. سن متوسط کودکان دو سال بود، ۴۰ درصد آنان با مادر بزرگ، بیست درصد با مادری که روسپی گری می کند و نه درصد در مراکز سرپرستی نگه داری می شوند. پنج درصد زنان روسپی شاغل در زمان مصاحبه باردار بودند. (Adele Weiner, et al, 1996) در سال ۱۹۹۴ زنانی که در صنعت جنسی بودند، یک نفر از سه نفر بیشترین نیاز را به خدمات ویژه بهداشتی (به دلیل پیامدهای ناشی از خشونت و صدمه حاصل از حرفه شان) داشتند. در حرفه روسپی گری این تقاضاست که عرضه را به وجود می آورد. چون مردان خواهان و خریدار خدمات جنسی هستند، روسپی گری امری اجتناب ناپذیر و بنابراین بهنجار تلقی می شود. در این قسمت چندین نمونه نقل قول از مشتریان روسپی گری، آورده می شود:



« مثل اینکه که ماشینت را برای تعمیر ببری، تو می‌گویی چه می‌خواهی و چیزی که می‌خواهی انجام می‌شود، آنها سؤال نمی‌کنند. تو به آنها می‌گویی چی می‌خواهی و کار انجام می‌شود. من کاملاً معتقدم که هر زنی در یک مقطعی از زمان روسپی است ... »

مردی در هنگام بحث درباره تجربه اش در کلوپهای شبانه برهنگی می‌گوید:  
« این در واقع یک قسمت از من است که می‌تواند هنوز به دنبال شکار برود. رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان با این نگرش که موجب افزایش اعتقاد مردان برای محق بودن خود در دستیابی جنسی به زنان و داشتن برتری به زنان و پروانه یورش و تعدی جنسی است (White, J. W. & Koss, M. P., 1993). »

در سال ۱۹۹۳، چهار و دو درصد از زنانی که به اتهام ارتباط با روسپی‌گری دستگیر شده بودند محکوم شدند، در حالی که تنها هشت درصد مردان در ارتباط با همین اتهام دستگیر و محکوم شدند.

اگر ما به روسپی‌گری به عنوان یک عمل وحشیانه و خشونت‌آمیز و علیه زنان نگاه کنیم به مفهوم این نیست که روسپی‌گری را قانونی یا جرم‌زدایی کنیم. اولین خشونت‌ها که در روسپی‌گری رخ می‌دهد آنچنان که عده‌ای می‌گویند « داغ‌ننگ » اجتماعی نیست. جرم‌زدایی یا قانونی ساختن روسپی‌گری بهنجار یا به قاعده ساختن رسومی است که تجاوز به حقوق بشر محسوب می‌شود. چیزی که در هر مقوله دیگری قابل رسیدگی و پیگرد قانونی است. ( همانند آزار و اذیت جنسی، یورش فیزیکی، تجاوز جنسی، اسارت، فشار و تنگنای مالی - معیشتی و صدمات عاطفی - هیجانی، توهین، ناسزا و .... ) (Melissa Farley). در سال ۱۹۹۹ پارلمان سوئد قانونی را به تصویب رساند که در آن خریداری خدمات جنسی و نه فروش آن جرم محسوب می‌شود. این کار در واقع یک پاسخ قانونی مهربانانه مداخله - گران اجتماعی به ظالمانه بودن روسپی‌گری است (Seven-Axel, Mansson, 1999).

« این جامعه است که روسپی‌گری خلق می‌کند »